فهرست جلد اول

مقدمه راجع بتفضیل گریه بر حسین بن علی و سایر ائمه در حالات آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین از صفحه ۱ الی ۹

در حالات و مناقب حضرت رسول اکرم صلعم و ذکر مصیبات وارده بجناب ایشان و شهادت ایشان از صفحه ۹ الی ۷۵

در حالات و مناقب و غزوات و معجزات و شهادت حضرت امیر مؤمنان صلوات الله علیه از صفحه ۷۵ الی ۱۴۸

در حالات و فضائل و مظلومیت امام حسن مجتبی سلام الله علیه از صفحه ۱۴۸ الی ۱۷۵

فهرست جلد ثانی

در مناقب و فضائل سید الشهداء و شهادت آن بزرگوار سلام الله علیه از صفحه ۱۷۶ الی ۳۱۰

فهرست جلد ثالث و رابع

در شهادت یک یک از اولاد و اصحاب حسین بن علی علیه السلام از صفحه ۱ الی ۲۰۴

در مناقب و فضائل و شهادت حضرت ثامن الائمه علیه السلام از صفحه ۲۰۴ الی ۳۲۷

مجلد اول از ص ۱ الی ص ۱۷۵

مجلد ثانی از ص ۱۷۶ الی ص ۳۱۰

مجلد ثالث از ص ۱ الی ص ۱۳۵

مجلد رابع از ص ۱۳۶ الی ص ۳۲۷

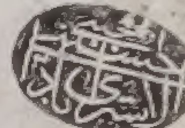
بسم الله الرحمن الرحیم

هذا کتاب مقتل ائمه اطهار علیهم السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

ثنا و ستایش خاص حکیمی است که ساقی حکمتش مجلسیان بزم مصایب را سر مست بادهٔ
تسلیم و رضا کردانیده و دردی کشان غمخانهٔ نوایب را از اضطراب بمقام انس و شکیبائی
کشانیده مرارت صبوری را در مذاقشان نه چنان شیرین ساخته که جز زهر غم بکامشان آید و
چاشنی درد را در کام ایشان نه چندان گوارا گردانیده که کوثر و تسنیم در نظرشان جلوه نماید
حوصله داران بزم قربش از ایاغ غم مدام تر دماغ و خوشدل و قربانیان زخم الماس در
مسلخ شهادت همه در رقص بسمل دوستان خود را از زهر غم تلخکام ساخت تا در بزم قرب
شربت خوشگوار ابدی بر ایشان بپیماید و مقربان درگاه خود را بتیغ الم در خون نشانید تا
در صف سربازان معرکهٔ ابتلا چهرهٔ احوال ایشان را بگلگونه سرخ روئی کونین برآید و بغت
بیحد نثار سروری که خیمهٔ قلوب ارباب عنا بطناب و ستون صبر و سکون او بر پا است و قامت
طاقتهای بی صبر و توان بعصای قوت شکیبائی او همواره محکم و برجا است اعنی صدر نشین
بزم ابتلا و تسلی آموز ارباب رنج و عنا درد زدای قلوب اهل مصایب و مرهم نه جراحات
اهل نوایب زبدهٔ فرقهٔ صفیا و خاتم سلسلهٔ انبیا ابو القاسم محمد مصطفی صلی الله علیه
و آله و درود بیحد بر امیری که ابواب صبوریش بر روی مصایب روزگار باز و طایر طاقتش

بسم الله الرحمن الرحیم
و قد انتقل الی بالبیع الصحیح الشرعی فقدار
من عوارض الدهر لدی الحاجة
محمد الحسینی ابن محمد الاسترابادی



درهوای نوایب و هر بلند پرواز صفوف شداید و محن از حملات تحملاتش دایم پریشان
و صنوف غموم و آلام از ضرب طعن صبر و قرارش همیشه گریزان در خلوت خیالش
جز پیر غبتی دنیا نهفته و زال هر غیر از طلاق از وی چیزی نگرفته در جهاد نفس و غنایم
ملامت و توبیخش پیوسته در دو کش و در مصاف سپاه هوا و هوس جبین منورش
از چین ابرو همیشه زره پوش سید اولیا و پیشوای اوصیا مظهر عجایب و غرایب امیر المؤمنین
علی بن ابیطالب و صنوف صلوات زاکیات بر اولاد اطهر آن والا گهر که سفاین دین و ملت را
لنگر و آئینهٔ دلها را صیقل گر مرهم داغ سینهای خسته اند و مومیائی دلهای شکسته صلوات الله
و سلامه علیهم اجمعین اما بعد بر تشنگان زلال مغفرت و آمرزش و طالبان فرات
تقربات عفو و بخشایش چون آفتاب روشن است که هیچگونه وسیله برای نجات گناهکاران
مانند گریستن و گریانیدن بر مصایب اهل بیت مصطفین و عترت طاهرهٔ سید ثقلین نیست
خصوصا بر مصایب پر شور و شین حضرت امام حسین که در این باب شرف ورود یافته که
مَنْ بَکَی عَلَی الْحُسَیْنِ اَوْ تَبَاکَی وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ یعنی هر که بر امام حسین ع بگرید یا
خود را بگریه بدارد باینمعنی که وسیلها بخاطر اندازد تا گریه اش آید یا باینمعنی که ظاهر خود را
چون گریه کنندگان سازد و شبیه ایشان شود واجب شود برای او بهشت پس گریهائی
بر دردی که از ته دل خیزد نزد آنحضرت چه قدر قیمت خواهد داشت و آنچه از تالیفات
بنظر احقر رسیده هر یک بوجهی اختلالی داشت بعضی بجهت نظم و ترتیب و بعضی بجهة
اشتمال بر کثرت اختلاف اخبار و بعضی بجهت تطویل و بعضی بجهت اختصار و بعضی بجهت
اشتمال بر روایات و حکایات خارجه از مقصود و بعضی بجهت اشتمال بر روایات عامیه
غیر معتبره و برخی بجهت اشتمال بر اکاذیب قطعیه و بالجمله کتابی فارسی در این خصوص تصنیف
نشد که خالی از همه چیز باشد حتی اینکه فاضل معاصر جناب مرحوم ملا مهدی نراقی رحمه الله

مُحبِطًا پنهان میکنند از مردم و پنهان نمیکنند از خدا و حال آنکه خدا با ایشان است در شبها
میگویند سخنی چند که خدا نمی‌پسندد از ایشان و خدا بر جمیع اعمال عباد و بندگان آگاه است
از امیّة بن علی روایت کرده‌اند که گفت در ایامی که حضرت امام رضا ع در خراسان بود من
در مدینهٔ طیّبه پیوسته بخدمت امام محمّد تقی علیه السلام میرفتم و عموها و خویشان آن امام
عالیشان مکرر بخدمت آنحضرت آمده سلام میکردند و جایزهٔ عظیمه می‌یافتند روزی در حضور
ایشان جاریهٔ خود را فرمود که اهل بیت را بگو که مهیای ماتم شوند و روز دیگر بخدمت آنحضرت
رفتند پرسیدند که برای که فرمودی مهیای ماتم شوند فرمود برای ماتم بهترین روی زمین
بعد از چندی خبر رسید که آنحضرت در همان روز بعالم قدس ارتحال نمود و قطب راوندی
روایت کرده از معمّر بن خلاد که روزی در مدینه حضرت امام محمّد تقی ع بمن فرمود ای معمر بیا برویم
گفتم بکجا فرمود سوار شو و کار مدار چون بصحرا رسیدیم فرمود که در اینجا باش و خود غایب شد
بعد از ساعتی پیدا شد گفتم فدای تو شوم کجا بودی فرمود بخراسان و پدر مظلوم غریبم را دفن
کردم و برگشتم و عمر شریف آنحضرت پنجاه و دو سال و بعضی پنجاه و پنج گفته‌اند و در آخر ماه صفر آنجناب را
مسموم ساختند و بعضی چهاردهم صفر گفته‌اند و ابن بابویه گفته که صحیح آنست که شهادت آنحضرت

در روز جمعه بیست و یکم ماه رمضان واقع گردید
قد تم المقتل اللهم اغفر قائله
و کاتبه و قاریه الکتاب
احمد الحسینی فی
سنه ١٢٥٥

های کنایه ساکن واقع شود و ماقبلش هرچه باشد مثل یرضه الیک و علیه الله و یخلد فیه اینکه ماقبل
آن یاء ساکن باشد و مابعد آن متحرک مثل فیه هدی که جمیع قراء بکسره مختلسه خوانند مگر ابن کثیر که بکسره
مشبعه خوانند یعنی بیا اما در فیه مهانا در فرقان حفص بیز بصله خوانند یعنی بیا باید دانست که بعضی احکام
مذکوره در بعضی الفاظ مخصوصه جاری نخواهد بود مثل یؤده و ارجه و یتقه چنانکه در کتب قراءت مذکور
است **باب ششم** در بیان وقف این باب مشتمل است بر سه فصل **فصل اول** در بیان وقف بر
اواخر کلمات بدانکه وقف در لغت نگاه کردن است و در اصطلاح بریدن کلمه است از مابعد و یا
ساکن کردن آن یا روم کنند یا اشمام و روم در لغت بمعنی جستن است و در اصطلاح ضعیف کردن اعراب
است بوجهیکه شنوند که نزدیک باشد بشنود و اشمام در لغت بو یاندن است و در اصطلاح بهم آوردن
دولب است بعد از اسکان حرف چنانکه ببیند در یابد و اشمام بسمع در یافته نشود چنانکه روم بسمع و لکن
اصل در وقف سکون است زیرا که اخف است و صریح معنی اصل و در حرکات ثلث جاریست و روم جایز
مگر در ضم و رفع و جر و کسر مثل الحمد لله و من قبل و مالک و هو که و در فتح و نصب جایز نباشد اصلا
مگر نزد نحویان که جایز است بعضی جهله قراء در فتح و نصب شد جایز دانسته اند و لیکن خطا کرده
اند و اشمام جایز نباشد مگر در ضم و رفع و فائده وقف بروم و اشمام آنست که سامع از روم و ناظر از
اشمام معلوم کنند که حرکت کلمه که وقف بران شده است چه بوده است و باید دانست که روم و اشمام
جایز نیست در سه چیز باتفاق اول در تاء تانیث زیرا که وقف ان بها است دوم اعراب عارض اما هرجا که
بتاء دراز نویسند و کسی وقف برسم کند یعنی بتا روم و اشمام نزد آن کس جایز خواهد بود دویم در حرکت
عارضی مثل قل ادعوا و قم اللیل و قل اوحی و انحر ان شانئک زیرا که در اصل ساکن است و بسبب التقا
ساکنین در دوی اول و بسبب نقل در دوی آخر حرکت عارض شود سیم میم جمع مثل انهم و بهم
که اصل میم در جمع سکون است و ضمه عارض او میشود در حال صله بواو بقراءت بعضی در وصل اگر
چنانچه بعد از وی ساکن بیاید که اگر ساکن نیاید باتفاق متحرک خواهد شد بحرکت عارض بجهت منع
التقاء ساکنین اما در هاء ضمیر مثل انه به و ابتیناه و علیه خلاف کرده اند مثل ابو عمرو و دانی که
در هاء ضمیر روم و اشمام نزد او مطلقا جایز است و بعضی گفته اند که مطلقا جایز نیست و بعضی تفصیل
کرده اند بانکه در هاء مضموم که ماقبلش مضموم باشد یا واو ساکن مثل یعلمه و اتوه و تنصروه و در
هاء مکسور که ماقبلش مکسور باشد یا یاء ساکنه مثل به و فیه و علیه روم و اشمام هر دو جایز نباشد
و در غیر اینها جایز باشد و بعضی مثل سبط خیاط تفصیل کرده اند بانکه اگر ماقبل هاء ضمیر ساکن
است روم و اشمام جایز است مثل منه و عنه و اجتبیه و اگر متحرک است جایز نیست مثل انه و به و صاحب شاطبیه
قول اول و سیم آورده **فصل دوم** در بیان وقف برسم خط بدانکه چون قاری خواهد که وقف
کند بر کلمه از کلمات قرآن جهت استراحت نفس یا ضیق یا اطلاع بر قواعد خط قرآنی اگرچه بران کلمه وقف نباشد
باید که برسم مصحف وقف کند مگر بمذهب جماعتی مثل ابن کثیر و ابی عمرو و کسائی و یعقوب که وقفشان
برسم نیست پس لاجرم بایست دانستن رسم مصحف را از تاء تانیث و مقطوع و موصول و این فصل
مشتمل است بر دو بحث **بحث اول** در تاء تانیث بدانکه اسمائیکه در ایشان در مصحف تاء
دراز نوشته است بیست و پنج لفظ است یکی رحمت در هفت موضع یرجون رحمت الله در بقره و ان
رحمت الله قریب در اعراف و رحمت الله و برکاته در هود و ذکر رحمت ربک در مریم و در روم
الی آثار رحمت الله و در زخرف اهم یقسمون رحمت ربک و رحمت ربک خیر و دوم نعمت در یازده
موضع نعمت الله علیکم و ما انزل در بقره نعمت الله علیکم اذ کنتم در آل عمران نعمت الله علیکم اذ هم در

خواص السور

یمنیه بر غلام از زنا و کرختن و خیانت و هم اگر بر کسی او بندد کاو در درد جگر و درد شکم و طحال باشد ایمن میشود از این اوجاع و اگر
این سوره را از آب باران بشوید و بیاشامد از جمیع امراض ایمن شود **العنکبوت** کسیکه این سوره را بنویسد و بشوید
بخورد از تب ربع و جمیع امراض خلاص شود **الروم** هر کسیکه این سوره را در ظرف آبگینه نهد گذارد در ...
که در خانه باشد بیاد شود و اگر غریبی داخل آن خانه شود بیاد شود **لقمان** کسی که او جاع باشد ...
بنویسد و بران بندد آن مرض زایل شود **السجده** کسیکه این سوره را بنویسد ...
او بندد ایمن میشود از تب و درد شقیقه **الاحزاب** کسیکه این سوره را بر ورق آهو نویسد و در ... بگذارد ... منزل خود گذارد
دختر او دوران ز دوری شوهر کند **سبا** کسیکه اینسوره را در کاغذی بنویسد و بگذارد در پارچه سفید ... ایمن میشود از هوام و از عقوبت
و تیر و سنگ و شمشیر **فاطر** کسیکه بنویسد
از این سوره از ان الذین یتلون کتاب الله
تا غفور شکور بر چهار پاره بنه ببنه و بر پاک و
متاع تجارت کند و در مال آن نمو میکند و
منفعت **یس** کسیکه این سوره را بنویسد
بر آب بخورد صد گیرد باشد ... فرو
کند ایمن میشود ... از چشم زخم و اجنه
و خوابهای صالح و خوب بچه بیند **والصافات**
کسیکه اینسوره را بشوید با آب ...
و جماع او زایل شود **ص** کسیکه از این
سوره ... ملک ... بیاورد
... را ... کند ... بیند ...
... بسیار کوار او نکو شود **الزمر**
کسیکه این سوره را ... ببیند
محبوب خلایق گردد و ... مردم او را ... بر
یاد کنند **غافر** کسیکه این سوره را در
... بنویسد در دکان خود بگذارد ...
و اگر در باغ خود گذارد میوه او بسیار شود
و اگر صاحب ... با خود دارد
شفا یابد باذن الله تعالی **فصلت** اگر
اینسوره را بنویسد و با آب باران بشوید
و سرمه را با آب او بسایند و بچشم کشد از رمد
... شفا یابد **الشوری**
کسیکه اینسوره را بنویسد و بشوید آب
از آن در سفر بیاشامد کم میشود تشنگی او
و اگر از آن آب بر مصروع بپاشند شیطان او
بسوزد و دیگر بسوی او عود نکند **الزخرف**
اگر آب از این دهند که با شوهر مخالفت ورزد
اطاعت شوهر کند و اگر کسی ... باشد از آن
آب بخورد گشوده شود و هر که اینسوره را
با خود دارد از مکر این شود و اگر ... بر سر
گذارد و بخوابد خوابهای خوب بیند **الدخان**
هر که با خود دارد از مکر شر محفوظ باشد و در نظر مردم
هیبت باشد و محبوب دل مردم گردد و اگر بشوید
آب او را بیاشامد ایمن شود از ...
اگر بر طفل بندد آن طفل ایمن شود از جن و
حشرات الارض **الجاثیه** کسیکه اینسوره
را با خود دارد ایمن شود از ... و اگر
دزد ... **الاحقاف**
کسیکه بنویسد بر صحیفه و باب زمزم بشوید
و بیاشامد آب او نزد مردم وجیه و محبوب
و محفوظ میشود **محمد** کسیکه در گردن خود
او بندد منصور میشود و کسیکه بشوید و بخورد
ترس از او زایل میشود و کسیکه در دریا بخواند
از غرق ایمن شود **الفتح** کسیکه اینسوره
را بر خود او بندد از سلطان ایمن شود و اگر در جوال
ببندد ... **الحجرات** هر گاه این سوره را در مکانی بنویسد بر بند شیطان بان مکان
یا خانه او بر دو شیطان نزدیک او نرود و اگر بر ... اینسوره را بشوید و آب از آن بیاشامد شیر او بسیار شود ... والده یا کسی که او را درد شکم یا دهن ... باشد
نزدیک نشود و اگر بر مصروع بندد شیطان با او عود نکند **ق** کسیکه از دل این صحیفه بنویسد و باب باران بشوید و در خانه ...
نداشته باشد از او بخورد خوف در او زایل شود و اگر آب از هر طفل را بشوید دندان او بی شغب بیرون آید **الذاریات** هر گاه او را بزنی که درد زاییدن دارد
ببندد وضع حمل او باسانی شود **الطور** اگر کسی در زندان بقراءت آن مداومت نماید زود بیرون آید و اگر مسافر بخواند از آفات سفر ایمن شود **النجم** هر گاه از این
سوره ایة افمن هذا الحدیث تعجبون و تضحکون و لا تبکون و انتم سامدون را بنویسد و بر اطفال ببندد گریه نکند **القمر** کسیکه در روز جمعه وقت نماز ظهر اینسوره
را بنویسد و در زیر عمامه گذارد در نزد مردم محبوب و مقبول القول گردد **الرحمن** کسیکه از او بشوید و آب آن را بخورد برای درد دل و طحال نفع دهد و اگر بر مصروع پاشند

... بر دیوار خانه نویسند هوام و حشرات الارض از ان خانه بروند **الواقعة** اگر این سوره را بر زنی ... ببندند شفا یابد و اگر **الحدید** کسیکه این سوره را با خود بندد ایمن شود در جنگاه از حدید و اگر بر پیکان ... بند باشد ان بیرون اید و اگر اورا بر قرحه و جروح و باد سرخ ... باب ان بشویند شفا یابد باذن خدا ... ان خواننده ... **المجادلة** کسیکه این سوره را بخواند ... کرده ... اگر ... کسیکه ... **الممتحنة** ... که حامل ان باشد حضم او ... **الحشر** ... عوانذ از هر بلیه محفوظ شود ... **الصف** کسیکه در سفر بر قرائت این سوره مداومت نماید تا بر گشتن از ان سفر ... سه روز این سوره را متوالی بنویسد و بخورد ... شود در شب ... **المنافقون** کسیکه این سوره را بر ... شفا یابد

الجمعة کسیکه مداومت کند بر قرائت این ... باذن الله تعالی **التغابن** کسیکه این سوره را بخواند و بر خاکی ... شود شر او کفایت شود **الطلاق** اگر این سوره را بنویسند و بشویند و اب ان در موضعیکه جدال و قتال در ان موضع بهم رسد و فراق در میان اهل منزل بهم رسد **التحریم** هرگاه اینسوره را بر مریض یا مار گزیده یا مصروع یا کسی که شب خواب نبرد بخوانند الم از او زایل گردد و کسیکه مداومت کند بر قرائت اینسوره دینی براو نماند **الملک** اگر بر میت بخوانند تخفیف شود از میت و نجات می یابد از عذاب قبر **القلم** هرگاه بنویسد ... کسی که درد دندان داشته باشد یا در سر داشته باشد ان درد ساکن شود **الحاقة** بر زن حامله هرگاه اینسوره را ببندد جنین که در شکم او باشد از افات محفوظ ماند در حال وضع حمل اگر اب ان بطفل دهند صاحب فطانت میشود و از حشرات الارض و شیطان محفوظ میماند **المعارج** کسیکه اینسوره را خواند و خوابد از احتلام در خواب ... ایمن شود تا صبح **نوح** کسیکه شب و روز مداومت بر قرائت اینسوره کند بهر حاجت که توجه کند روا شود **الجن** کسیکه این سوره را بنویسد ... نزد پادشاه ... ضرر نرسد ... بر دشمن غالب شود و کسیکه با او مناظره کند ... در موضعیکه سوره خوانده میشود جن از انجا منهزم میشود و کسیکه اینسوره را بخواند بر ... داخل شود ... و ایمن شود و اگر بر ... بخوانند از ... محفوظ ماند اگر اسیر بخواند ازاد شود و اگر قرض داری بخواند قرض او ادا شود **المزمل** کسیکه قرائت کند ... اینسوره ... پیغمبر صلی الله علیه و آله را در خواب ... **المدثر** کسیکه بر قرائت اینسوره مداومت نماید و در ان خاتمه ... حاجات او روا شود و اگر حفظ قران ... حفظ کند **القیمة** قرائت اینسوره تقویت قلب میکند و اگر اینسوره را بشویند و اب انرا بخورد ضعف او ... **المرسلات** کسیکه اینسوره را در حضور ... بخواند بر خصم خود غالب شود

فی تجوید القرآن

مائده نعمت الله کفرا و نعمت الله لا تحصوها هر دو در ابرهیم و بنعمت الله هم یکفرون یعرفون نعمت الله در نحل وانشکروا نعمت الله هر سه در نحل و فی البحر بنعمت الله در لقمان واذکروا نعمت الله علیکم و بنعمت ربک در طور **سیم** امرات در هر جا که مضاف بشوهر شود و ان هفت موضع است امرات عمران در ال عمران وامرات العزیز تراود و امرات العزیز الان هر دو در یوسف وامرات فرعون در قصص و امرات نوح و امرات لوط و امرات فرعون هر سه در تحریم **چهارم** کلمت در پنج موضع کلمت ربک صدقا در انعام و تمت کلمت ربک الحسنی در اعراف و کذلک حقت کلمت ربک علی الذین و کلمت ربک لا یؤمنون دو در یونس و حقت کلمت در غافر لیکن در دوم یونس و در غافر اختلاف کرده اند **پنجم** در سنت در پنج موضع سنت الاولین در انفال فلن تجد لسنت الله تبدیلا و لسنت الله تحویلا هر سه در فاطر و سنت الله التی در غافر **ششم** لعنت در دو موضع لعنت الله علی الکاذبین در ال عمران وان لعنت الله در نور **هفتم** معصیت نیز در دو موضع معصیت الرسول در اذا جاءک و معصیت الرسول و تناجوا هر دو در قد سمع الله **هشتم** بقیت الله در یک موضع بقیت الله خیر لکم در هود **نهم** قرت نیز در یک موضع قرت عین در قصص **دهم** فطرت نیز در یک موضع فطرت الله در روم **یازدهم** شجرت نیز در یک موضع شجرت الزقوم در دخان **دوازدهم** جنت نیز در یک موضع جنت نعیم در واقعه **سیزدهم** ابنت نیز در یک موضع ابنت عمران در تحریم **چهاردهم** ایات در دو موضع ایات للسائلین در یوسف ایات من ربه در عنکبوت **پانزدهم** ذات در هر جا که واقع شود **شانزدهم** ذلک در هر جا که واقع شود مثل ذات بینکم در انفال ذات الیمین و ذات الشمال در کهف و ذات بهجة در نمل و ذات الشوکة و ذات الصدور و ذات البروج **هفدهم** بینت در یک موضع **هجدهم** علی بینت منه در فاطر **نوزدهم** غرفات در یک موضع فی الغرفات امنون در سبا **بیستم** ثمرات در یک موضع من ثمرات من اکمامها در فصلت **بیست و یکم** جمالت نیز در یک موضع جمالت صفر در والمرسلات **بیست و دوم** اللات در یک موضع افرایتم اللات والعزی در والنجم **بیست و سوم** هیهات در دو موضع هیهات هیهات لما توعدون در مؤمنون **بیست و چهارم** غیابت در دو موضع والقوه فی غیابت الجب و ان یجعلوه فی غیابت الجب هر دو در سوره یوسف **بیست و پنجم** لات در یک موضع لات حین مناص در ص **بیست و ششم** مرضات در چهار موضع ابتغاء مرضات الله و اموالهم ابتغاء مرضات الله هر دو در بقره ومن یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله در نساء و تبتغی مرضات ازواجک در تحریم **بحث دوم** در مقطوع و موصول بدانکه هر کلمه که دو حرف یا بیشتر بود اصل انست که منفصل بود از کلمه که بعد از انست خواه ان کلمه حرف بود یا فعل یا اسم مگر الف و لام تعریف با اذ و ها و ضمیر متصل و حروف مقطعه مثل الارض یا ادم و هؤلاء و ضربا و اکرم مگر چیزیکه در مصحف امام نوشته اند که در این سه قسم موصول نویسند هر یکی از مقطوعا ... ذکر کرده اند بیست و سه است **اول** انی ما هر جا که واقع شود مقطوع است مگر ... فاینما تولوا فثم وجه الله در بقره و اینما یوجهه در نحل که هر دو موصولند و اما در اینما تکونوا یدرککم الموت در نساء و اینما کنتم تشرکون در شعراء و اینما ثقفوا در احزاب خلاف کرده اند لکن در نساء ... مقطوع است **دوم** حیث ما هر جا که واقع شود مقطوع است باتفاق **سیم** لبئس ما مقطوع است در پنج موضع لبئس ما شروا در بقره و لبئس ما کانوا یعملون و لبئس ما کانوا یصنعون و لبئس ما کانوا یفعلون و لبئس ما قدمت هر چهار در مائده **چهارم** ربما هر جا که واقع شود موصول است مگر در قل بئسما یامرکم در بقره که در اکثر مصاحف مقطوع است **پنجم** فبئس ما مقطوع است در یک موضع فبئس ما یشترون در ال عمران مگر

النبأ کسیکه اینسوره را بنویسد بر زعفران و کلاب با خود دارد خواب شبش و کرم و حفظ او زیاد شود و اگر بر بازوی خود ببندد ... قوت عظیمی برسد و کسیکه مرض بطن باشد اب انرا بخورد زایل شود **النازعات** کسیکه اینسوره را در برابر دشمن یا سلطان بخواند از او ایمن شود **عبس** هر که اینسوره را با خود دارد و بسفر رود در راه خیر ببیند و سد ... و کفایت شود و اگر اینسوره را بر ... زهر ... هفت نوبت بر چشمه بخوانند که اب ... و اگر ... بنویسد ... **التکویر** اگر کسی این سوره را بر چشمها خواند چشمهای او قوت ... و درد شب کوری از او زایل شود **الانفطار** اگر کسی ... در زندان باشد یا بیم ... باشد ... چون این سوره بخواند خلاص شود **التطفیف** اگر بر مخزنی بخوانند از افات محفوظ باشد **الانشقاق**